

شادی صدر متولد ۱۳۵۲ و دانشجوی فوق‌لیسانس حقوق است و به مسائل حقوقی در حوزه فرهنگ بسیار دلبستگی دارد. از او مقاله‌هایی حقوق و اجتماعی در روزنامه‌های همشهری، آفتابگردان، جامعه، زن و صبح امروز منتشر شده است. همچنین در شماره ۷ پژوهشنامه نقدی به قلم او بر کتاب نوجوانانه «لافاکادیو» اثر «شل سیلوراستاین» خوانده‌اید.

## ضوابط چاپ و نشر کتابهای کودکان و نوجوانان:

# راهی که رفته‌ایم و به پایانش نرسیده‌ایم!

شادی صدر

نظارت بر نشر کتابهای کودکان و نوجوانان متشکل از حداقل پنج تن از افراد صاحب‌نظر و آگاه به امور تربیتی (از دیدگاه اسلامی) و مسائل خاص کتابهای کودکان تشکیل خواهد شد. این افراد را وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از میان صاحب‌نظران و نویسندگان کتابهای کودکان و نوجوانان و اشخاص آگاه به مسائل تربیتی در اسلام انتخاب و جهت تصویب به شورای فرهنگ عمومی معرفی خواهند کرد.

تبصره ۱ هم‌مین ماده عضویت یکی از صاحب‌نظران و اعضای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را در هیئت لازم دانسته و تبصره ۲ وظیفه هیئت را مشخص کرده است:

نظارت هیئت مزبور از حیث شکل و محتوای کتب کودکان و نوجوانان و انطباق آنها با فرهنگ اسلامی و ایرانی و اصول تربیتی خواهد بود و این نظارت باید قبل از چاپ و نشر کتاب انجام گیرد. تبصره ۳ ماده مذکور می‌گوید: نظارت هیئت

وقتی به یاد می‌آوریم که از ارسطو هم می‌خواسته‌اند افکارش را بر زبان نیاورد، ناگزیر به این نتیجه می‌رسیم که «سانسور» یا به عبارت امروزی‌تر «ممیزی» در اشکال مختلف در تمام تاریخ وجود داشته است و چون تاریخ هنوز ادامه دارد، بحث ممیزی هم ناگزیر همچنان ادامه دارد.

در این نوشته قصد نداریم به این سؤال پاسخ بدهیم که: «ممیزی، آری یا نه؟» بلکه قصد داریم نقدی کنیم بر پاسخ «آری» سیاستگذاران فرهنگی کشور، نه از این جهت که چرا ممیزی را وضع کرده‌اند بلکه از این جهت که چگونه وضع کرده‌اند؛ و بدیهی است که در چارچوب کتابهای کودکان و نوجوان گام برمی‌داریم.

□ □ □

در اردیبهشت سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی اهداف و سیاستها و ضوابط نشر کتاب را تصویب کرد. در ماده ۵ این مصوبه آمده بود: نظر به حساسیت و جنبه‌های خاص کتابهای کودکان و نوجوانان هیئت ویژه‌ای به نام «هیئت

از آب درمی‌آمد. بگذریم از اینکه هیئت نظارت قانون مطبوعات با اینکه سه سال قبل از تصویب این مصوبه ایجاد شده. بسیار غیردولتی‌تر از هیئت نظارت مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است و نمونه‌هایی از این دست، بسیار است.

□ □ □

با اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۶۷ هیئت نظارت بر نشر کتابهای کودکان و نوجوانان را مأمور تنظیم آیین‌نامه‌ای در این باره کرد اما تا شش سال بعد یعنی تا سال ۱۳۷۳ هیچ مقررات نوشته‌ای بر سمیزی کتابهای کودک و نوجوان حاکم نبود. اینکه تا پیش از این تاریخ چه بر سر کتابهای کودک و نوجوان می‌آمده، موضوع این نوشته نیست اما درباره ضوابط چاپ و نشر کتابهای کودکان و نوجوانان، مصوب هیئت نظارت که از این پس «ضوابط» خوانده می‌شود، حرف و حدیث بسیار است.

این ضوابط ظاهراً باید همان آیین‌نامه‌ای باشد که در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی صحبتش شده است، اما از آنجا که هیچ‌گاه به تأیید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نرسیده. فاقد ارزش قانونی است. بنابراین در حالی که ضوابط مذکور، ناظر بر صورت و ماده کتابهای کودک و نوجوان است، به دلیل عدم رعایت تشریفات قانونی پیش‌بینی شده در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، اعتبار حقوقی ندارد.

یکی دیگر از موارد مغایرت ضوابط با مصوبه شورا، این است که در آن مصوبه صریحاً کار نظارت بر کتابهای کودک و نوجوان و صدور مجوز چاپ و انتشار برای آنها به هیئت نظارت سپرده شده اما هیئت در ضوابط یادشده کار را از عهده خود بر عهده واحد کتاب کودک وزارت ارشاد گذاشته است و به صورت یک مرجع بالاتر برای رسیدگی به اعتراضهای نویسندگان یا ناشری که واحد کتاب کودک به کتابشان مجوز نداده درآمد است که گاهی نیز

## تصویب ضوابطی برای چاپ و نشر کتاب، صریحاً و به روشنی در هیچ کدام از وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی نمی‌گنجد.

مزبور بر طبق آیین‌نامه‌ای انجام خواهد گرفت که این هیئت تهیه خواهد کرد و به تأیید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد رساند. این آیین‌نامه باید ناظر به صورت و ماده کتب کودکان و نوجوانان باشد و راهنمایی باشد که مجریان یا آن بتوانند محتوای این کتب را قبل از چاپ و نشر با فرهنگ اسلامی و ایرانی و اصول صحیح تربیتی تطبیق دهند. پیش از پرداختن به هیئت نظارت و آنچه انجام داده است، نکاتی درباره این مصوبه گفتنی است هر چند اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی که اتفاقاً توسط خود این شورا هم به تصویب رسیده، محسوب‌های بسیار کلی است و دقیقاً با این مصوبه از مسیر مرغ تا جان ادبی‌زاد را می‌توان به شورای عالی انقلاب فرهنگی مربوط دانست، اما با مرور وظایف پیش‌بینی شده برای این شورا، که عمدتاً در سطح کلان و کلی است به این نتیجه می‌رسیم که تصویب ضوابطی برای چاپ و نشر کتاب صریحاً و به روشنی در هیچ کدام از وظایف شورا نمی‌گنجد. از میان وظایف شورا، تنها تدوین اصول سیاست فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران و تعیین اهداف، جهت بر نامه‌های فرهنگی و آموزشی و پژوهشی و علمی، کمی به کار تعیین اهداف و سیاستها و ضوابط نشر کتاب نزدیک است. اما به نظر می‌رسد منظور نویسندگان مصوبه در این مورد هم تعیین سیاستهای بسیار کلی‌تر و اصولی‌تر بوده است. بنابراین بهتر بود شورای عالی انقلاب فرهنگی کار تعیین ضوابط برای نشر کتاب را مثل مطبوعات به قانونی و امی گذاشت که هم این قدر کلی نمی‌شد و هم اجرایی‌تر و عملی‌تر

**این ضوابط ظاهراً باید همان آیین-نامه‌ای باشد که در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی صحبتش شده است، اما از آنجا که هیچ‌گاه به تأیید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نرسیده، فاقد ارزش قانونی است.**

رأساً بعضی از آثار را خود بررسی می‌کند.

ضوابط با تعریف کتاب کودک و نوجوان آغاز می‌شود و در همان ابتدا تعریفی ارائه می‌دهد که شاید مانع باشد ولی مطمئناً جامع نیست: «کتاب کودک و نوجوان، نوعی قالب ارتباطی هنری، مکتوب و احتمالاً مصور، در جهت رشد و شکوفایی استعداد‌های کودک و نوجوان است. این قالب ارتباطی در اشکال متفاوتی از جمله داستان، نمایشنامه، شعر، شرح حال، نقل و تحلیل تاریخ، آموزش علم، هنر و... نمود پیدا می‌کند.»

بسیاری از کتاب‌های کودک و نوجوان مثل کتاب‌های کمک‌درسی یا مقالات ممکن است اصلاً هنری نباشند و بیرون از حوزه این تعریف باقی بمانند. از طرفی کتاب‌های زیادی برای کودکان و نوجوانان با هدف سرگرمی صرف تهیه می‌شود که نقشی در رشد و شکوفایی استعداد‌های آنها ندارند بنابراین با این تعریف، جزء کتاب‌های کودک و نوجوان نیستند.

هدف و پیام کتاب اولین معیار کلی است که در ضوابط مورد توجه قرار گرفته است. هرچند در ابتدای این بخش آمده «چنانچه پیام‌های اثر با معیارهای قانون اساسی و قانون مطبوعات و نشریات در تضاد نباشد، چاپ اثر بلامانع است»، اما بسیاری از معیارهای ارائه شده پس از آن نه در قانون اساسی آمده است و نه در قانون مطبوعات و نه در هیچ قانون دیگری. هرچند نگرش اخلاقی و تربیتی به محتوای کتاب‌های کودک و نوجوان بسیار مهم است اما معیارهای ارائه شده به گونه‌ای است

که اولاً دست ممیزان را در اعمال سلیقه باز می‌گذارد و ثانیاً، به قول ریاضی‌دانها  $n$  معیار دیگر نیز می‌توان به آن اضافه کرد که ارزش اخلاقی کمتری از هیچ کدام از معیارهای یاد شده نداشته باشند.

مثلاً اثری که «به دفاع تخریبی و بد از اسلام و مذهب- ولو به نیت خیر- پرداخته» باشد. قابل چاپ نخواهد بود. اینکه چه دفاعی از اسلام تخریبی است دقیقاً به سلیقه ممیز و مجوزدهنده به کتاب باز می‌گردد. یا مثلاً به اثری که تاریخ در آن تحریف شده باشد مجوز چاپ داده نمی‌شود. آیا اعمال درست این بند، نیاز به یک تاریخدان ندارد؟ و...

معیارهای حاکم بر شخصیت‌های کتاب نیز از حکم بالا مستثنا نیست و ایضاً معیارهای مربوط به کیفیت ظاهری، فرهنگ نهفته در تصاویر کتاب و حجم، نثر، رسم‌الخط و حروف کتاب.

به عنوان مثال «استفاده از تصاویر ضعیف» به عنوان یکی از دلایل عدم صدور مجوز آمده بدون اینکه تصویر ضعیف معنی بشود و همین‌طور است «شگردهای سوءتبدیغاتی»، «استفاده نابخج و نوناژ سودجویانه از تصاویر کتاب‌های خارجی» و...

از طرفی بسیاری از ضوابط نوشته شده، علاوه بر اینکه راه را برای اعمال سلیقه باز می‌کنند، خود نیز سلیقه‌ای‌اند. مثلاً معلوم نیست چرا «داستان‌های بازنویسی شده تنها در صورتی

**یکی دیگر از موارد مغایرت ضوابط با مصوبه شورا این است که در آن مصوبه صریحاً کار نظارت بر کتاب‌های کودک و نوجوان و صدور مجوز چاپ و انتشار برای آنها به هیئت نظارت سپرده شده اما هیئت در ضوابط یاد شده کار را از عهده خود بر عهده واحد کتاب کودک وزارت ارشاد گذاشته است.**

## چاپ خیل عظیمی از کتابهایی که معیارهای ضوابط در آنها رعایت نشده است نیز دلیل دیگری بر غیرعملی بودن آنهاست.

گرفتن اشتباهات انسانی گاهی غیرممکن می‌کند. لزوماً این نتیجه حاصل نمی‌شود که کتابی خوب برای کودکان و نوجوانان فراهم گردد. بسیاری از شاهکارهای ادبی کودک و نوجوان اگر با خط‌کش‌های این ضوابط اندازه‌گیری شوند، غیرقابل چاپ از آب درمی‌آیند و بسیاری از آثار سست و بی‌مایه، براساس این ضوابط از آزمایش ممیزی سربلند بیرون می‌آیند.

وجود مقرراتی با نام ضوابط چاپ و نشر کتابهای کودک و نوجوان با این همه ضعف و کاستی از یک سو و ایجاد قوانین نانوشته‌ای در عرصه کتابهای کودک و نوجوان (مثل ممنوعیت چاپ کتابهای کمیک‌استریپ که ممکن است بر حسب مورد با تمام معیارهای ضوابط یاد شده همخوانی داشته باشد)، از سوی دیگر، نه تنها خطر ترویج یک نوع تفکر در کتابهای کودک و نوجوان و یکسان شدن شکلی و محتوایی آنها را دامن می‌زند بلکه به مخدوش شدن فضای فکری میان نویسندگان و ناشران با مجریان سیاستهای فرهنگی نیز دامن می‌زند. در این میان اگر حرکتی جدی برای اصلاح ضوابط حاکم بر ممیزی و ممیزان (هر دو با هم و نه به تنهایی) کتابهای کودک و نوجوان انجام نشود، باز هم به راهی می‌رویم که بارها رفته‌ایم و به مقصد نرسیده‌ایم.

که به لحاظ موضوع، طرح یا تصویر... واجد ارزشهای ممتازی باشند می‌توانند به صورت یک کتاب مستقل منتشر شوند و در غیر این صورت نویسنده می‌تواند... چند داستان را با هم تبدیل به یک کتاب کند. یا چرا در «شعرهای گروههای سنی (الف و ب و ج) باید وزن رعایت شود» یا به چه دلیل در تمام شعرهای کودک و نوجوان «قافیه باید مراعات شود» یا چرا «هیچ گردآورنده یا ناشری نمی‌تواند دست به چاپ مجموعه اشعاری از شاعران متعدد بزند مگر اینکه دلایلی مشخص (مثل همخوانی موضوعی) پشت سر انتخاب او وجود داشته باشد» یا دلیل اینکه «هر ناشر تنها در کنار آثار تألیفی قابل قبول می‌تواند تعدادی آثار ترجمه‌ای نیز منتشر کند.» چیست؟ و...

در نهایت غیر از دلایل یاد شده، چاپ خیل عظیمی از کتابهایی که معیارهای ضوابط یاد شده در آنها رعایت نشده است نیز دلیل دیگری بر غیرعملی بودن آنهاست. اگر پس از خواندن ضوابط، نگاهی به مجموعه کتابهای منتشر شده در سالهای پس از تدوین ضوابط بیندازیم به نظرمان می‌رسد که بسیاری از کتابها اصلاً از زیر دست ممیزی رد نشده یا اگر رد شده براساس این ضوابط رد نشده است!

ضوابط یاد شده در مجموع بیش از ۷۰ معیار برای قابل چاپ بودن یا نبودن یک کتاب کودک و نوجوان به دست می‌دهد. معیارهایی که گاهی هر یک از فرط کلی بودن به چند معیار جزئی‌تر قابل تقسیم‌اند با توجه به اینکه تنوع و فراوانی معیارها کار ممیزی را بسیار سخت و با در نظر

بسیاری از شاهکارهای ادبی کودک و نوجوان اگر با خط‌کش‌های این ضوابط اندازه‌گیری شوند، غیر قابل چاپ از آب در می‌آیند و بسیاری از آثار سست و بی‌مایه، براساس این ضوابط از آزمایش ممیزی سربلند بیرون می‌آیند.